



# انترناسیونال

## ۱۶۲

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



**حزب کمونیست کارگری ایران**  
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۸ مهر ۱۳۸۵، ۲۰ اکتبر ۲۰۰۶

**منصور حکمت**

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

[anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

سرمدیبر: محسن ابراهیمی

## مراسم روز جهانی کودک یک ارزیابی مختصر



محمد آسنگران

کودکان ضعیف ترین انسانها در جوامع بشری هستند و بیلان کار و قوانین حاکم بر جوامعی مثل ایران در مورد این عزیزترین انسانها، کاملاً منفی و در ضدیت با آن است. روز جهانی کودک فرصت مناسبی است که یکبار

صفحه ۴

## جهان به اکتبر دیگری نیاز دارد! در سالروز انقلاب اکتبر



سیاوش دانشپور

انقلاب یک واقعیت اجتماعی است، حتی اگر بورژوازی دنیا را در نفی انقلاب بسیج کرده باشد. انقلاب واقعی جان سخت است، حتی اگر دنیا صحنه رژه ابلهان سیاسی و مجیزگویان فقر و بردگی مزدی باشد. واقعیت انقلاب خود

صفحه ۳



حمید تقوایی

ستون اول

## این دنیای وارونه را باید تغییر داد

این حکم قطعنامه "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان" در گردهمایی دو هزار نفره در پارک لاله تهران در روز جهانی کودک است. در این روز در سنج نیز مراسم مشابهی با شرکت حدود چهار هزار نفر برگزار شد و گزارشات حاکی است مجموعاً در حدود ۳۰ شهر دیگر در ایران روز کودک از جانب مردم معترض به بیحقوقی کودکان بزرگ داشته شده است. در بیانیه ها و قطعنامه های این مراسم ها بر مقدم بودن کودکان و حقوق آنان بر هر امر دیگر تأکید شده و خواستها و مطالبات انسانی و پیشرویی در دفاع از حقوق کودکان مطرح شده است. نفس اعلام این خواستها و مبارزه برای تحقق آنها و همچنین تعدد و تعداد نسبتاً بالای شرکت کنندگان در این تجمعات

صفحه ۲

## نظارات در لندن: خاتمی را در لندن رسوا می کنیم!

صفحه ۴



**حضور فعال اعضای  
رهبری و کادرهای حزب  
کمونیست کارگری در  
کنفرانس بین المللی  
دفاع از حقوق زنان در  
شهر دوسلدرف آلمان**

صفحه ۸

## کارگران کمونیست و الغای مالکیت خصوصی



حسن صالحی

ما کارگران کمونیست خواهان برچیده شدن مالکیت خصوصی سرمایه داران و جانشین کردن آن با مالکیت اشتراکی بر وسایل کار و تولید اجتماعی هستیم. ما می خواهیم که مالکیت انحصاری مشتی سرمایه دار بر کارخانه ها،

صفحه ۷

## روز جهانی کودک در ایران سر آغاز یک جنبش نوین در دفاع از کودکان



جلیل بهروزی

برگزاری روز جهانی کودک در ایران در حال بدل شدن به یک حرکت عمومی است. هزاران نفر در تهران، سردشت، سنندج و کامیاران و حداقل در بیش از ۱۵ شهر دیگر در این روز به اشکال مختلف گرد آمدند تا این روز را

صفحه ۲

## حجاب اسلامی نباید تحمل شود

سهیلا شریفی

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱

## ستون اول

نشاندهنده انسانگرایی و رادیکالیسم کم نظیر جنبش اعتراضی در جامعه ایران است. اما نکته مهمتر کيفرخواست ضد فقر و استثمار و ضد سرمایه داری است که در روز جهانی کودک با شفافیت و صراحت از جانب فعالین و مردم مدافع حقوق کودکان اعلام میشود. ایران تنها کشوری نیست که با مصیبت فقر و بیحقوقی وسیع کودکان و پدیده دردآور کودکان کار و خیابان روبروست. مبارزه برای تحقق حقوق کودکان نیز در بسیاری از کشورها قدمت بیشتری از ایران دارد و دستاوردهای بیشتری نیز داشته است. اما تنها در جامعه ایران است که در روز کودک اجتماعات چند هزار نفره در ده ها شهر برپا میشود، علیه فقر و استثمار و اختلاف و تبعیض طبقاتی بعنوان ریشه های بیحقوقی کودکان در ایران و در جهان سخن گفته میشود و اعلام میشود "این دنیای وارونه را باد تغییر داد". این چپ جامعه است که بمیدان آمده و پرچم دفاع از حقوق کودک را برافراشته است. این بیانگر خصلت رادیکال و ضد سرمایه دارانه نه تنها جنبش دفاع از کودکان، بلکه جنبش سرنگونی طلبانه علیه جمهوری اسلامی است. روزکودک تنها نمونه نیست. در بیانیه ها و قطعنامه های اول مه و هشت مارس و شانزده آذر در طی سال گذشته نیز این ادعانامه های ضد کاپیتالیستی صریح و روشن و شفاف اعلام شده بود.

ما مدنهادست اعلام کرده ایم جامعه به چپ میچرخد، جنبش سرنگونی بیش از پیش رادیکال میشود، و مبارزات و اعتراضات مردم خصلتی چپ و انقلابی پیدا میکنند. امروز باندازه کافی تجربه و نمونه واقعی در دست است که در این سیر حرکت به چپ دو روند مهم را در جنبش سرنگونی طلبانه در ایران باز شناخت: اول روند قطنیدی طبقاتی در جامعه و در دل جنبشهای اعتراضی و دوم روند شکل گیری یک انقلاب چپ که میتواند و باید کار جمهوری اسلامی را یکسره کند. این دو روند در واقع شکل و مضمون انقلابی که در حال شکل گرفتن است، یا دقیقتر بگویم انقلابی که میتواند در صورت درک بموقع شرایط و پاسخگویی به وظایفی

کارگری و افزایش حداقل دستمزد به میزان پانصد هزار تومان را نیز اعلام میدارد. جنبش زنان لغو آپارتاید جنسی و لغو حجاب را میخواهد و دانشجویان میخواهند پای مذهب و حوزه علمیه چی ها از دانشگاهها قطع شود. جنبش علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی هر روز بیشتر گسترش مییابد، و بالاخره قدرت جنبش سکولاریستی و جدایی مذهب از دولت چنان است که ملی اسلامیون رسوا شده و حتی آیت الله های عاقبت اندیش هم تلاش میکنند جانی در این جنبش برای خود دست و پا کنند.

تحقق هر یک از این مطالبات ظاهرا "صنفي" و "غیر سیاسی"، کافی است تا کل نظام جمهوری اسلامی را درهم بریزد. این در واقع جنبش انقلابی علیه کلیت جمهوری اسلامی است که در عرصه های مختلف با طرح خواستهای مشخص و رادیکال بمیدان آمده است. خواستهایی که از یکسو در موازنه قوای فعالی میان مردم و حکومت، قابل طرح و اعلام علنی و بسیج و گردآوری نیروی وسیع به گرد خود است و از سوی دیگر در مضمون خود کل حکومت اسلامی و حتی نظام سرمایه را به نقد میکشد و به زیر سؤال میبرد. این طرح مطالبات رادیکال و مشخص در عرصه های مختلف در عین حال بیانگر آنست که ما به يك جنبش و انقلابی خودبخودی و با انفجارعصبان و فوران خشم مردم علیه حکومت روبرو نخواهیم بود. (خصوصیاتی که انقلاب ۵۷ داشت

و به همین علت هم زیر سلطه ضد انقلاب اسلامی قرار گرفت و به شکست کشیده شد). جنبش دفاع از حقوق کودک، اعتصابات وسیع کارگری برای آزادی تشکل و جمع کردن بساط اسلامیها از کارخانه و محل کار، جنبش زنان برای لغو آپارتاید جنسی، جنبش جدایی مذهب از دولت و جنبش علیه اعدام و سنگسار و برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش جوانان برای خلاصی فرهنگی، اینها همه باید حول فصل مشترک خود، مقابله با حکومتی که سدی در برابر تحقق این خواستهاست، به هم پیوندند و جمهوری اسلامی را بزیر بکشند. این نهرها میتوانند و باید به رود خروشان انقلاب شکل بدهند. این

## از صفحه ۱ روز جهانی کودک در ایران

گرامی بدارند. تا بر حقوق زیرپا گذاشته شده کودکان تاکید کنند. تا اعلام کنند احترام به کودک و تامین يك زندگي شاد و شکوفا برای کودکان وظیفه جامعه و دولت است. مراسمها، جشنها و راهپیماییهایی که در این روز در چندین شهر بزرگ در ایران برپا شد نشان از این دارد که امر کودک، حق کودک و تامین سلامت جسمی و روحی کودک در حال بدل شدن به يك مسئله جدی در جامعه است آن هم در جامعه ای که

يك رژيم بغیات ارتجاعی، ضد کودک، ضد رفاه و آسایش، ضد شادی و امنیت مردم در سرکوب حرکت ترقی خواهانه، انساندوستانه و ماکزیمالیست هیچ گونه پرهیز نمیکند.

مراسم های امسال روز جهانی کودک در ایران جدا از ابعاد گسترده آن، يك ویژگی دیگری هم داشت و آن هم شعارها و مطالبات آن بود. قطعنامه و بیانیه و سخنرانیهایی که در اجتماعات روز جهانی کودک خوانده و یا ایراد شد نشان از يك حرکتی عمیقا انساندوستانه و رادیکال و مدرن داشت. تاکید بر تقدم حقوق کودکان جدا از هر مصلحت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، تاکید بر حقوق کودکان دختر، کودکان مهاجر و حق سرپرستی مساوی کودکان توسط مادر و پدر در هنگام جدایی و اعلام موضع بر علیه حمله نظامی به ایران در عین مخالفت با تسلیح اتمی از جمله آن خواسته ها و انتظاراتی بود که در اجتماعات روز جهانی کودک برجسته شد و آن را متمایز ساخت.

مراسم روز جهانی کودک در تهران در ۱۴ مهر ماه با راهپیمایی از درب غربی پارک لاله تا محل آمفی تئاتر روباز در این پارک آغاز شد و سپس خود مراسم در محل

آمفی تئاتر با اجرای سرود توسط کودکان و قرائت دو داستان نوشته شده توسط کودکان کار و اجرای يك تئاتر و موسیقی زنده و سخنرانی ادامه یافت. در این مراسم حدود ۲۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند و قطعنامه ارائه شده در این مراسم که بروی پارچه ای نوشته شده بود توسط شرکت کنندگان امضا شد. این مراسم توسط جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابانی سازمان داده شده بود.

در سندهج نیز در روز ۱۶ مهر توسط کمیته برگزار روز جهانی کودک، متشکل از موسسه هه وراز، موسسه ماهور، دوستداران کودک و کانون دنیای شاد برای کودکان مراسم باشکوهی در محل خانه کرد برگزار شد. در این مراسم که بیش از ۴۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند فعالین حقوق کودک، فعالین کارگری و حقوق مدنی با ارائه تصاویری از آنچه که بر کودکان در ایران میروید، ادعانامه محکمی بر علیه شرایط ظالمانه ای که کودکان متحمل میشوند داده شد. در خاتمه این مراسم که همچنین مشتمل بر نمایشگاه کارهای هنری کودکان، اجرایی موسیقی شاد و کودکانه و شعر خوانی بود قطعنامه بسیار رادیکال و مترقی خوانده شد که با استقبال وسیع حاضرین مواجه شد و مورد تأیید قرار گرفت.

دو روز قبل از آن در ۱۴ مهرماه نیز به مناسبت گرامیداشت روز جهانی کودک، جشنی با عنوان کارناوال قطار شادی در پارک کودک سندهج، از سوی کمیته برگزاری روز جهانی کودک در سندهج برگزار شد که با استقبال گرم کودکان و خانواده هایشان مواجه شد.

## صفحه ۸

اپوزیسیون ضد انقلاب بایستد، بتواند از دل هر تحولی قویتر و قدرتمندتر سر بلند کند و تا زدن ضربه نهائی به پیش برود. انقلاب به رهبر و سازمانده نیاز دارد و این وظیفه خطیر و عاجلی است که حزب ما در برابر خود قرار داده است. این دنیای وارونه را باد تغییر داد و اولین گام در این جهت پیوستن به حزب کمونیست کارگری و سازمان یافتن حول سیاستها و شعارهای این حزب است!\*

شکل مشخص بسط و پیشروی جنبش سرنگونی طلبانه به سمت يك انقلاب سوسیالیستی است. در شرایط حاضر زمینه ها و شرایط سیاسی و اجتماعی برای چنین انقلابی آماده تر از هر زمان دیگری است اما این انقلاب باید سازمان پیدا کند، باید صفوف خود را در برابر ضد انقلاب داخلی و جهانی فشرده کند، در برابر حمله نظامی و کودتا و هر نوع سناریوی ارتجاعی

## از صفحه ۱ جهان به اکتبر دیگری نیاز دارد

را به هر ناباوری تحمیل میکند، حتی اگر شیبه پیروزی ارتجاع برای دوره ای طولانی انقلابیون را مرغوب و طبقه کارگر را منکوب کرده باشد. انقلاب یک اسطوره نیست، یک فیتش نیست، یک حرکت عظیم اجتماعی است، یک زلزله سیاسی است، سطح معینی از جدال طبقات در دوره انقلابی است. انقلاب یک مکانیزم اجتماعی برون رفت از بحران است وقتی که تمام راه حل‌های مهار بحران تست شدند و شکست خوردند. انقلاب یک انتخاب "ایدئولوژیک" عده ای انقلابی "تند مزاج" نیست، برآیند تقابل و نقد رادیکال و اجتماعی طبقه ای است که نفعی در حفظ وضع موجود ندارد. انقلاب امری دستوری نیست، امری عقیدتی نیست، یک "ده فرمان" مذهبی نیست، تنها وقتی رخ میدهد که قدرت فائقه دیگر نمیتواند به روشهای سابق حکومت کند و اکثریت عظیم توده کارکن و مردم محروم دیگر نمیتوانند قبول کنند و دیگر کردن نمیگذارد. انقلاب جنسیت ندارد، از پیش معین نشده است، انقلاب نقد است، آنتی است، علیه وضع موجود است هر آنطور که هست. انقلاب را میتوان شکست داد، میتوان سرکوب کرد، میتوان پرچمش را دزدید و مسخ کرد، میتوان انقلابیون سازش ناپذیرش را کشتار کرد، اما جلوی خود انقلاب را نمیتوان گرفت. انقلاب نه میگوید، شرایط موجود را نمیخواهد، نفی میکند، عبور میکند، سازش نمیکند، سلبی است، رادیکال است، مهر خواست و تمایلات محوری و عمومی طبقات اجتماعی معینی را بر خود دارد. هویت هر انقلاب را تنها میتوان با افشش، با رهبری اش، و با حزب انقلابی اش معنی کرد نه با جدولهای ریاضی و کمیتهای علم اقتصاد بورژوازی. سرنوشت هر انقلاب را رهبران انقلاب و موقعیت و پراتیک اجتماعی نیروی انقلابی تعیین میکند.

اگرچه تاریخ بشر انقلابات زیادی را تجربه کرده است اما انقلاب پدیده ای جدید است، هیچ انقلابی مشابه دیگری نیست، هر انقلابی خود ویژه است، چون مجموعه شرایط و اوضاع و احوال و کشمکش اجتماعی که به یک تحول انقلابی منجر میشوند، و انقلاب خود یک محصول آنست، متفاوت است، چون نیروهای درگیر و

متخاصم در هر انقلاب متفاوتند. در هر انقلابی نیروی انقلابی، طبقه انقلابی، حزب انقلابی وجود دارند. در هر انقلاب نیروی ضد انقلابی، طبقه ضد انقلابی، ارتش و ارگانهای سرکوب، دولت و نیروهای کمپ ارتجاع وجود دارند. انقلابات در صفحه سفیدی رخ نمیدهند، خود محصول یک دوره طولانی جدال طبقات اند و سطح معینی از این جدال را نمایندگی میکنند. پرولتاریا و بورژوازی بعنوان دو طبقه متخاصم بر سر افق جامعه و سرنوشت جامعه وارد جدال میشوند، جامعه قطبی میشود، از هر منفذ جامعه تلاش برای تغییر و تلاش برای دفاع از وضع موجود در اشکال حاد بروز میکند، اما در هر انقلاب موقعیت و ویژگی و شرایط نبرد این نیروهای متخاصم ضرورتا یکی نیستند. حتی هیچ انقلابی را صرفا و به تنهایی با شعارهایش نمیتوان تشخیص داد، چون شعارها ضرورتا بیان اهداف نهانی حزب و طبقه انقلابی نیستند. نه شعار "نان و صلح" اهدافی سوسیالیستی اند و نه بلشویکها بدون طرح این شعارها نمیتوانستند برای کسب قدرت سیاسی خیز بردارند. هر انقلابی خود را با پاسخ به سوالات محوری قلمرو سیاست در هر دوره معنی میکند. تردیدی نیست که انقلاب بورژوازی علیه نظام قرون وسطی ای کلیسا و سلطنت نمیتواند پرولتاریا را مستقر سازد اما انقلاب در عصر سرمایه داری تنها میتواند انقلابی کارگری و کمونیستی باشد. انقلابی علیه بنیادهای نظام نابرابر موجود، علیه بردگی مزدی و مالکیت خصوصی، علیه تنزل انسان به رای در قلمرو سیاست و علیه تنزل انسان به کالا در قلمرو اقتصاد، انقلابی علیه بنیادهای تبعیض و نابرابری در زندگی اجتماعی، علیه وارونگی بنیادی دنیای امروز، انقلابی علیه سرمایه و هر آنچه که کهنه است، انقلابی برای پایان دادن به دوران تاجر بشر، برای احیای انسانیت و بازگشت انسان به انسانیت خویش.

بگذار بورژواها و سخنگویان ناقص العقل شان روزی صد من کاغذ علیه انقلاب سیاه کنند، این بخشی از تلاش برای کنترل جنبش کمونیستی طبقه کارگر برای زیر و رو کردن رادیکال وضع موجود است.

علیه انقلاب سخن میگویند تا پایه های ارتجاع را مرمت کنند، علیه انقلاب پروپاگاندا میکنند تا نفس تلاش انسان امروز برای تغییر را منتفی و بی حاصل اعلام کنند. انقلاب را تحریف میکنند تا استعمار و فقر و بردگی را تثبیت کنند. بخشی از همین بورژوازی در دوره انقلاب چهره عوض میکند، افاضات دیروزشان را فراموش میکنند، خودشان اصلاح طلب و "رادیکال" و "انقلابی" میشوند. رجزخوانی بورژواها علیه تلاش انسانی بشریت کارگر و انقلابیون کمونیست برای تغییر پیشیزی ارزش ندارد. ادعاهای اینها پوچ و بیمایه و بیمارگونه است، تبلیغات زهرآگین علیه انقلاب تنها بازتاب جوهر طبقاتی و ضد انقلابی آنها و نشان سطحی نگری و وارونگی جامعه ای است که خود را بر دروغ و ریا و اخلاقیات دلخواهی و منافع و امتیازات اقتصادی و سیاسی اقلیتی مفتخور بنا کرده است.

## حق با لنین بود!

صحنه سیاست جهان را در دو دهه گذشته مرور کنید! به روند رویدادها از دهه هشتاد و تعرض راست افراطی و بویژه با پایان جنگ سرد نگاه کنید! به الفاظ و ادبیات سیاسی و مکاتب "نو" و چهره ها و سخنورانش نگاه کنید! کوهی از کلمات قصار و ژست های توخالی، صفی از سیاستمداران مبتذل و مکاتب پفکی، رژه وعده های کشیمنی، انحطاط انسانی، جنگها و نفرتهای بی پایان، کشتارهای مخوف، عروج نیروهای دست راستی فاشیست، فقر و فاقه چند صد میلیونی، ناتوانی در حل مسائل ساده و هزار درد بی درمان میبینید! قرار بود دنیا به سمت "عدالت و رفاه و دمکراسی" و نفی "توتالیترسیم" برود! چی شد آن رفاه و امنیت و دمکراسی که وعده میدادند؟ چی شد "پایان عصر دیکتاتوریها"؟ چی شد "پایان تاریخ"؟ چی شد "پایان کمونیس"؟ کجا رفتند طرفداران ساده لوح دمکراسی ریگان و تاجر؟ کجا رفتند مروجین "جامعه اطلاعاتی" و پیروان الوین تافلر؟ کجا بندگان که پیشرفت تکنیک و بارآوری کار را نابودی کارگر و آرمان کارگری معنی کردند؟ کجا بندگان خیل پست مدرنیستهای عقب مانده ای که تاریخ و جهت رو به پیش تاریخ و

حقوق جهانشمول و دستاوردهای یک قرن جامعه بشری را انکار کردند؟ کجا بندگان کاریست های تازه به دوران رسیده ای که از هر تریبون علیه کمونیس و آرمان برابری و آزادی بشر در خدمت ارتجاع نظم نویسی خودشیرینی کردند؟ جنبش استقلال طلبان ناسیونالیست چه بر سرش آمد؟ سرنوشت توسعه اقتصادی "جهان سوم" به کجا رسید؟ راستی سربازان جنبش دمکراسی و بازار، که خود را با نفی انقلاب و نفی انتقاد سوسیالیستی کارگران به وضع موجود توضیح میدادند، کجا ایستاده اند؟ دو دهه در یک مقیاس جهانی علیه بشریت حرف زدند، لیچار گفتند، جنگ سازمان دادند، میلیون میلیون کشتار کردند، جوامع را تکه تکه پاره کردند، به نیروهای گورستانی قومی و ناسیونالیست و نژاد پرست تا متعصبین مذهبی و آدمکشان حرفه ای میدان دادند، کثیف ترین جنایات را در تاریخ جوامع ثبت کردند، فقر و فاقه و فحشا و اعتیاد و بی مسکنی و بیکاری و بیماری را به جز لاینفک زندگی صدها میلیون انسان تبدیل کردند، زیر پرچم بازار و دمکراسی و "پایان دیکتاتوریها" شنیع ترین جنایات و افسارگسیخته ترین دیکتاتورها را رسمیت دادند تا یک مشت حکم پادر هوا را اثبات کنند؛ سرمایه داری "اذلی و ابدی" است، "کمونیسیم مرده است"، انقلاب "خشونت" است، طبقه کارگر باید تن دهد، زنده باد سود، زنده باد بربریت مدرن سرمایه!

این جنایات سازمان یافته اگرچه هنوز ادامه دارد اما دنیا تکان خورده است. دنیا متوجه شد که این وعده های پوچ و منادیان پوچتر و مرتجع آن راهی ندارند. نه فقط راهی ندارند بلکه همین وضع موجود را هم نمیتوانند نگه دارند. میخواهند بشر را به قهقرای تاریخ، به دوره قرون وسطی، به بربریت بازگردانند. معلوم شد که حق با مارکس و لنین است، کارگر فهمید با زدن لنین بیمه بیکاری و شغل و امنیت شغلی و آینده اش را گرو میگیرند، کارگر فهمید که برخورداری از مسکن و سلامتی و آموزش و حرمت رابطه مستقیم با حضور سوسیالیسم و جنبش طبقاتی اش دارد. دنیا فهمید اگر سرنوشتش را بدست این جنایتکاران پاگونی و دانشگاهی و عمامه بسر بدهد فرمایش نامعلوم

است. لنین برای کسانی که در تله مافیا و فقر و فحشا اسیرند، نشان انسانیت و تمدن شد. همانروز که محرومان و مردم بی خانمان شده روسیه با پرچمهای سرخ و عکسهای لنین در مقابل دوربینهای سی. ان. ان. فریاد میزدند؛ لنین یعنی مسکن، لنین یعنی امنیت و آموزش، بورژوازی در عین سرمستی و عریبه های ناهنجارش باخته بود. حرکت کارگران و بشریت متمدن علیه تروریسم و میلیتاریسم، علیه فقر و یکه تازی سرمایه، علیه دولتهای سرمایه داری از جوامع غربی تا آسیا و آمریکای لاتین، عروج انواع جنبشهایی که علیرغم محدودیتها به وضع موجود معترض بود، به میدان آمدن طبقه کارگر در آلمان و فرانسه و ایتالیا و ایران، موج برگشت در کشورهای آمریکای لاتین، عوض شدن مسیر تفکر و تعقل و عروج جنبش انتقادی - پراتیکی کمونیستی کارگری نشان داد احکام بورژوازی پوچ بوده است. همان روز که بورژوازی پیروزیش را بر "کمونیسیم" اعلام میکرد، جنبش ما، کمونیسیم کارگری منصور حکمت، اعلام کرد که این هیاهو ضد کارگری و ضد کمونیستی است، اعلام کرد باید ایستاد و به جنگش رفت و به جنگش رفتیم. اعلام کردیم که این هیاهو برسر پیروزی جناح بازار بر جناح سرمایه دولتی نیست، جنگی برسر عقب راندن بشریت کارگر و آرمان و انتقاد کارگری و انقلاب کارگری است. همان زمان که مجسمه های لنین را بعنوان سمبل جسارت انقلابی کارگر کمونیست به ساحت "مقدس" سرمایه بزیر میکشیدند، داشتند اعلام میکردند که نباید اجازه داد لنین دیگر و اکتبری دیگر عروج کند. ما اعلام کردیم که دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به یک منجلاب تبدیل میشود و بورژوازی در این سالها دنیا را به لجن کشید. حکومت کارگری لنین با تمام محدودیتهای تحمیلی ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی تنها هشت سال طول کشید، همان سالهای دهه بیست در متن سازماندهی اقتصادی جامعه شوروی از ناسیونالیسم شکست خورد، اما بورژوازی با تمام قدرت هشتاد سال علیه کمونیسیم و انقلاب کارگری جنگید. بورژوازی

## از صفحه ۱ مراسم روز جهانی کودک

همگان به موقعیت این انسانهای کوچک نگاهی انداخته و با غیض و نفرت به سیستم حاکم بر جهان موجود تف بیاندازد. طبق آمار سازمان جهانی بهداشت بیش از یک میلیارد نفر در دنیا با کمتر از یک دلار و ۷/۲ میلیون نفر با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می کنند. طبق همین آمار ۶ میلیون کودک بر اثر سوء تغذیه و به عبارتی در هر ۶/۳ ثانیه یک کودک بر اثر گرسنگی جان خود را از دست می دهد. علاوه بر این میلیونها کودک قربانی فقر و ستم، جهل و خرافه و بی تاملی اقتصادی و اجتماعی هستند و از نعمات زندگی برای یک زندگی با استانداردهای امروزی محروم هستند. این گوشه ای از بیابان نظام حاکم، نظام سرمایه داری است.

با وجود تمام پیشرفتها، انقلاب انفورماتیک، امکان تولید انبوه، مدرنیزاسیون در همه عرصه ها و توان بشر برای فراهم کردن دنیایی بهتر، ما هنوز شاهد گرسنگی، بی داری، و بی مسکنی و محرومیت و فقر تا حد مرگ مردم و بویژه کودکان در ابعاد میلیونی هستیم. این حقایق تلخ در دنیای ما برای نظام تولیدی حاکم امری بدیهی و عوارضی "طبیعی" محسوب میشود. تحمیل این زندگی دردناک به بشر یکی از اهداف حاکمان و صاحبان سرمایه برای کسب سود و حفظ نظامشان است.

اما برای ما قربانیان و ما کمونیستها تغییر این شرایط وظیفه همین روزمان است. هنگامی که قطعنامه مراسم روز جهانی کودک در پارک لاله تهران اعلام میکند دنیای وارونه امروز را باید بر قاعده اش گذاشت منظور تغییر نظام سرمایه داری و تغییر این مناسبات یا نظم حاکم در دنیا است. حامیان این نظم جهانی با سرکوب و تحمیل مردم تمام تلاش خود را به کار گرفته اند که از نظم حاکم پاسداری کنند. در جامعه ای که کودکان خیابانی و کودکان کار و کودکان بی سرپناه و محروم از تحصیل و شادی بخشی از تصویر آن است، باید با تمام قوا به جنگ علیه آن رفت و باید این دنیا را بر قاعده اش گذاشت.

روز جهانی کودک سال ۱۳۸۵ در شهرهای زیادی مراسم و تجمع برگزار شد. هزاران انسان معترض به بی

حقوقی کودکان به خیابان آمدند، تجمع کردند، قطعنامه و بیانیه صادر کردند، سازماندهی کردند، فعالین این عرصه ابتکارات بسیار جالب و اجتماعی را به نمایش گذاشتند. با این وجود آنچه تا کنون مشاهده میکنیم، تنها گوشه ای از ابراز وجود علنی یک جنبش عظیم برابری طلبانه و انسان گرایانه است. این تنها نوک کوه یخی است که بر محور تغییر زندگی انسان و برای رفاه انسان در آن جامعه به میدان آمده است. انسان و حقوق انسانی در این جنبش جایگاه کلیدی دارد.

این جنبش ریشه های تاریخی و سنت قدیمی در جنبشهای سیاسی ایران ندارد. این یک سنت و حرکت تازه است. مدافعین حقوق کودک ممکن است از قدیم هم اینجا و آنجا تلاشهایی در دفاع از حقوق کودکان کرده باشند. اما جنبش مدافع حقوق کودک قدمتی به اندازه عمر نسل جدید در صحنه سیاست در ایران دارد. نقطه قدرت این جنبش هم همین است که این سنت آغشته به هیچ پرچم ملی، مذهبی و نژادی و جنسی و... نیست. این جنبش انسانی است. بر محور تغییر زندگی انسان پا به میدان گذاشته است. هر کس که به قطعنامه ها و نحوه سازماندهی و مضمون حرکت اخیر به مناسبت روز جهانی کودک در ایران دقت کند، به درست و فورا این حرکت را چپ و ضد سرمایه ارزیابی میکند. واقعیت هم این است.

تاریخاً دفاع از جنبشهای اعتراضی رادیکال و دفاع از حقوق کارگران، زنان و کلاً دفاع از برابری واقعی انسانها به چپها و کمونیستها مربوط بوده است. هر کس از کارگر، از آزادی واقعی و از حقوق برابر زن و مرد و برابری انسانها دفاع میکند بدون اینکه خود را معرفی کند در اذهان جامعه به درست به ترند چپ، سوسیالیسم و کمونیسم منتسب میشود. اما در مورد دفاع از حقوق کودکان قبری متفاوت است. هر چند میگویند اولین بار در تاریخ بشر ایده کودکیست از کمونیستها و چپها بوده است و ایجاد اولین کودکیست در تاریخ بشر از اتریش و با فشار کمونیستها علیه حاکمان وقت صورت گرفته است. اما عرصه دفاع از حقوق کودکان در اذهان عمومی مثل دفاع از حقوق کارگران مستقیم

به کمونیستها وصل نمیشد. حداقل در تاریخ ایران تصویری که از کمونیستها و چپها به جامعه داده شده است کاری به این عرصه نداشته اند. اهمیتی برای آن قائل نبوده اند، و موقعیت کودکان و مبارزه برای بهبود زندگی کودکان، کمتر مورد توجه بوده است. اکنون هم این عرصه برای چپ سنتی و کمونیسم بورژوازی از اهمیت چندانی برخوردار نیست. چپ سنتی تاریخاً کاری به حقوق کودک نداشته است. اقدامی و حرکتی حول آن سازمان نداده است. در عرصه دفاع از حقوق کودک، در تاریخ معاصر و از هنگامی که چپ و کمونیسم در ایران مطرح شده است کاری و اقدامی قابل توجه را شاهد نیستیم. به همین دلیل میگویم این جنبش قوی و اجتماعی دفاع از حقوق کودک در ایران که ما شاهد آن هستیم کاملاً جوان است. عمر آن به قدمت همین نسل خواهان تغییر و در میدان است. نسلی که الگویی زندگی را نه از کورش و داریوش و شاهان ایران میگیرد نه از زرتشت و محمد و علی و عمر و... بلکه الگویی زندگی برای این نسل، زندگی مردم در مدرنترین کشورهای جهان و آخرین دستاوردهای بشر امروزی است.

به جرات میتوان گفت که این جنبش نوپا در ایران از خصوصیات و ویژگیهای این دوره است. جنبشی جوان و رادیکال و بدون سنگینی گرایشات عقب مانده و سنتی بر اذهانش، به میدان آمده است تا از دنیا کل سهم خود را بخواهد و این جنبش خوشبختانه در ایران، با کوهی از ادبیات و با فعالیتهای گسترده جریان و حزبی روپرو است که برای ایجاد تغییر در زندگی همین امروز مردم و کودکان تلاش میکنند. ملاقات این دو جریان باهم میروند انقلابی را در ایران بسازد که عمیقاً ضد سرمایه داری و برای گذاشتن دنیا بر قاعده درست خود نقش محوری بازی کند. تحولاتی که چپ ایران در دو دهه قبل از سر گذرانده است تاثیر مستقیمی بر تفکر و تعقل فعالین این عرصه داشته است. جنبش دفاع از حقوق کودک در ایران جنبشی است عمیقاً ضد سرمایه داری، جنبشی برابری طلبانه، مدرن و انسانی. به همین دلیل این جنبش بخشی از تصویر امروز چپ و کمونیسم در ایران است. همچنانکه جنبش علیه مجازات اعدام در ایران

تازه و با دیدی عمیقاً انسانی به مولفه مهمی در سیاست ایران تبدیل شده است. این جنبشها از هم جدا هستند اما نخی نامرئی آنها را به هم پیوند داده است.

وقتی قطعنامه ها و پیام و نحوه کار و مضمون حرکتها امسال در دفاع از حقوق کودک را بررسی میکنم، ناخود آگاه چهره خندان منصور حکمت را مجسم میکنم که میگوید این جنبشی است که از آن حرف میزدیم و این تغییراتی است که میخواستیم جامعه به استقبالش برود. همه تقاضای چندین و چند سال این متفکر بزرگ، برای سازمان دادن و رهبری کردن و افق دادن و پیشبرد جنبشی رادیکال و انسانگرا بود که در زندگی مردم و بطریق اولی کودکان در همین امروز منشأ اثر باشد. برگزاری مراسمهای روز کودک در ایران یک واقعه بسیار مهم و یک نقطه عطف در جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از حقوق انسانی بود.

اگر تصویر بالا را در خطوط عمومی بپذیریم به این نتیجه میرسیم که علیرغم جوان بودن این حرکت، اکنون این جنبش کل جامعه را متوجه خود کرده است. امسال اعتراض به ستم کشی و بی حقوقی کودکان در ایران وارد فاز جدیدی شده است. مراسمهای روز جهانی کودک و جنبش مدافع حقوق کودک توده ای تر از همیشه و رادیکالتر از قبل به میدان آمده است. این یک پیشروی مهم در جنبش سیاسی مدرن برای تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگ سیاسی بالا به نفع مردم تحت ستم است. این جنبش نوید بخش دنیای بهتر برای کودکان و همه انسانهای خواهان تغییر است.

### پروسه حرکت جنبش دفاع از حقوق کودک

از چند سال قبل این حرکت به شکل توده ای آن از سنندج آغاز شد. بعد از دو سه سال جنبش دفاع از حقوق کودک به اکثر شهرهای کردستان کشیده شد. سازمان دادن مراسمهای بزرگ به مناسبت روز جهانی کودک و در ادامه برپایی جشن آدم برفیها و جشن و فستیوال یادکنکها به شکل توده ای و با شرکت هزاران نفر پروسه پیشروی این جنبش بود. امسال با درس آموزی از تجارب چند سال گذشته در تهران و شهرهای دیگر و همزمان در سنندج و سردشت و برخی

از شهرهای کردستان این مراسمها برپا شد.

حضور گسترده مردم و کودکان در این مراسمها عملاً حکومت اسلامی را از تقلا برای سرکوب این حرکتها باز میداشت. نحوه سازماندهی حرکت و مضمون صحبتها و شعارها و قطعنامه ها در نوع خود بی نظیر بود. یک رشته به هم پیوسته همه قطعنامه های صادر شده را به هم وصل میکنند و آن مضمون ضد سرمایه داری آنها است. شعارها، پلاکاردها و مضمون بیانیه ها و قطعنامه ها همگی از یک درد و از یک راه حل حرف میزنند. ریشه همه این مصایب سرمایه داری و نظام استثمارگر حاکم است و برای رهایی از این وضع باید دست به ریشه برد. باید بر ویرانه های نظام حاکم یک نظام انسانی، مدرن و مرفه سازمان یابد که محور آن بهبود زندگی انسان و تلاش برای یک دنیای بهتر است. این نظام آلترناتیو چیزی بجز سوسیالیسم بر مبنای لغو کارمزدی نیست. و قطعنامه ها همگی با ادبیات خاص خود بر این امر تاکید کرده اند.

### نگاهی به تجمعات امسال

تفاوت مراسمهای امسال نسبت به سالهای قبل قابل توجه بود. علاوه بر مضمون رادیکال سخنرانیها، شعارها و قطعنامه ها و بیانیه ها، تلاش برای اجتماعی کردن این جنبش اعتراضی امسال قابل توجه بود. بزرگترین مراسمها در سنندج و تهران برگزار شد.

در تهران به فراخوان انجمن کودکان کار و خیابان در آمفی تاتر پارک لاله یکی از بزرگترین مراسمها در دفاع از حقوق کودک برپا شد. بیش از ۲۰۰۰ نفر در این مراسم حضور داشتند. قطعنامه این مراسم یک ادعانامه و مانیفست جنبش دفاع از حقوق کودک در ایران بود. این مراسم باشکوه نوید بخش یک جنبش وسیع در دفاع از حقوق کودک بود. علیرغم تمام محدودیتهای مشکلاتی که نیروهای امنیتی و ارگانهای دولتی ایجاد کردند این مراسم توانست پیام خود را به میلیونها انسان آزادیخواه و مدافع حقوق کودک برساند.

در سنندج به ابتکار کمیته برگزاری روز جهانی کودک، روز جمعه ۱۴ مهر ماه کارناوال قطار شادی

## از صفحه ۳ جهان به اکتبر دیگری نیاز دارد

جناح بازار موفق شد بر جناح رقیب دولنگرا در بلوک شرق پیروز شود اما نتوانست اعتراض کارگری و آرمان انقلاب کارگری و کمونیستی را شکست دهد. علیرغم تمام جست و خیزهای روشنفکران بورژوازی و رسانه‌های نوکر و تلاش ارتجاعی پسا مارکسیست‌ها، پست مدرنیست‌ها، نان به نرخ روز خورهای تازه دمکرات‌نظم نویسی، هنوز یک نقد و یک بحث معتبر نتوانستند علیه تئوریهای جامع مارکس و انتقاد مارکسیستی به نظام سرمایه داری تدوین کنند. هنوز مارکس در هر رفراندومی در صدر مینشیند. هنوز مانیفست کمونیست کتاب پرفروش است. نه فقط آثار مارکس بیش از پیش مورد رجوع هر انسان منصف و حتی هر محقق بیطرفی است، بلکه متخصصین بازار بورس وال استریت اعتراف میکنند که هیچ کسی مانند مارکس مکانیزمهای سرمایه داری را تشریح نکرده است! بورژوازی در آلمان در انتخابات فلابی اش از اعتبار مارکس و لنین مایه میگذارد تا بی اعتباری خود را بپوشاند. هنوز مسلمان شکنجه گر در رژیم اسلامی وقتی میخواهد قمیز بدهد از هیجدهم برومر مارکس وام بگیرد. آخوند در ایران مجبور است راه را برای مارکسیسم قانونی باز کند تا به زعم خود جلو رشد کمونیسم مارکسیستی را سد کند. طرف میخواهد مناسبات حزب اسلامی و صف شکنجه گران را تنظیم کند، اول یک منبر در "نقد سانترالیسم دمکراتیک حزب لنینی" میبرد. اشتباه نکنید، اینها کمی "چپ" نشده اند! چپگرانی دارد از سر و کول بورژوازی بالا میبرد، میخواهند "همرنگ جماعت" شوند تا تحویلشان بگیرند و مستمعین شان اجازه دهند حرف بزنند. و این تنها سر کلافی است که باز شده است. دنیا دارد یک موج برگشت را از سر میگذراند. یک نوع خودیابی جامعه، یک نوع کمر راست کردن از زیر بار بمباران تبلیغاتی ضد انسانی بورژوازی و ایدئولوگهایش.

حق با لنین بود! اگر جسارت انقلابی لنین و حزب لنینی و تزه‌های آوریل نبود، سرنوشت دنیا در قرن بیستم طور دیگری رقم میخورد. براتر سیاهتر از این بود که نسلهای

متمادی تجربه کردند. حق با لنین بود، چون او نمونه و سمبل نقد و اعتراض سوسیالیستی طبقه ای بود که تنها نیروی اعاده حرمت و خوشبختی بشر امروز است. انقلابات بوقوع میپیوندند و شکست میخورند. دامنه عمل انقلابی در هر دوره مشروط به چهارچوبها و مقدرات تاریخی و اجتماعی است که نمیتوان از آن انتزاع کرد. اما باید از انقلاب اکتبر و تجاربتش آموخت و بر محدودیتهای آن فائق آمد! و نکته اساسی اینست که در جدال جهانی امروز باید جایی ضربه کاری را وارد کرد. باید جایی پیروز شد و راه نشان داد. جهان امروز به لنین و اکتبر دیگری نیازمند است. جهان امروز به نسل احزاب کمونیست کارگری که آلترناتیو سوسیالیسم را در مقابل کل جامعه قرار میدهند محتاج است. یک انفجار عظیم دیگر لازم است تا کلیه لایه های ارتجاع را در کره خاکی بلرزاند و به عقب نشینی در مقابل جنبش کارگری و سوسیالیستی وادار کند. بار دیگر ضروری است که در متن جهان خون و جنگ و لجن سرمایه، غول انقلاب قد علم کند و پرچم آزادی و برابری و اعاده حرمت انسانی را برافرازد. بار دیگر لازم است کره خاکی بفهمد که لنین و حزب لنینی دیگری با پشتوانه و قدرت و روشن بینی براتر عمیقتری عروج کرده است و الگوی آزادی قرن بیست و یکمی را در مقابل بشریت قرار داده است. سالروز انقلاب اکتبر روز دفاع از حقانیت اکتبر، روز دفاع از حقانیت عمل انقلابی و کمونیستی، روز فراخوان انقلاب کارگری و سوسیالیستی، روز اعلام این عزم و این هدف والای انسانی و فوری و ضروری و امکانپذیر است.

## حزب اکتبر، اکتبر ایران

ایران اسلام زده در قلب یک منطقه مهم با اهمیت ژئوپولیتیک جهانی، در حال حاضر، تنها جایی است که امکان عروج اکتبر دیگری را دارد. مبارزه آزادیخواهانه در ایران علیرغم اختناق و سرکوب سیاسی، مهر انتقاد سوسیالیستی و کمونیستی را بر خود دارد. ایران کشوری است که برخلاف روندهای جاری و مسلط جهانی و منطقه ای خلاف جریان عمل میکند. ایران جایی است که

دستاورد مدرنیسم و سکولاریسم و نقد سوسیالیستی را در اعتراض و مبارزه روزمره بازتاب میدهد. ایران جایی است که پرچم انتقاد جناح چپ جامعه غربی را علیه سرمایه داری و مذهب و ناسیونالیسم منعکس میکند. جامعه ایران علیرغم تحمیل فقر شدید و سرکوب عریان و بحرانهای شدید اجتماعی، هنوز یک جامعه امیدوار است و حرکت سیاسی اش برای بسیاری از ناظران غیر قابل تشخیص است. در جامعه ایران حزبی وجود دارد که سنت انتقاد مارکسیستی به نظام سرمایه داری، سنت پراتیک انقلابی و کمونیستی، سنت انقلاب کارگری را زنده نگهداشته و بسیار بیشتر از لنین و بلشویسم قبل از پیروزی پایش روی زمین است و در سطح جهانی جریانیه بالنسبه شناخته شده است. حزبی که جدیترین جریان اپوزیسیون در نگاه مردم است. حزبی که کارگران کمونیست و مبارز، علیرغم اینکه هنوز اختناق نمیکردار تماما فتح اش کنند، حزبی کارگری و متعلق به خود میدانند و به آن اتکا میکنند! حزبی که زن عاصی و آزاده فریادش را با آن تنظیم میکنند! حزبی که تمایلات نسل جدید را علیه مذهب و اخلاقیات عقب مانده نمایندگی میکنند! حزبی که کودکان کار و خیابان شعارش را دست میگیرند! حزبی که امید منکوب شدگان، اعدای ما، له شده ها، خیابان خوابها، و نجات میلیونها معتاد و تن فروش است! در تاریخ سیاسی ایران کمتر حزب سیاسی آنها با شرایط غیرقانونی بودن اینچنین در قلب جامعه و صحنه اعتراض مردم رسوخ کرده است. این حزب، حزب کمونیست کارگری، این ظرفیت را دارد که و باید به بزرگترین حزب کارگران کمونیست و سوسیالیست و مبارز در کل خاورمیانه تبدیل شود. این حزب این ظرفیت را دارد که میلیونها عضو از نسل جدید و زنان و مردان آزادیخواه و ضد دین بگیرد. این حزب ظرفیتش را دارد که بزرگترین انفجار تاریخ قرن بیست و یکم را عملی کند. این حزب موظف است و باید این بار را به منزل برساند. این حزب سنت شورائی کارگران، حزب سنت ضد مذهبی، حزب سنت فرهنگ غربی و پیشرو، حزب ضد ملی گرائی و قوم پرستی، حزب سکولارها و مدرنیست‌ها، حزب نسل جدید، حزب تمام کسانی

است که میخواهند مانند انسان زندگی کنند و از وضع موجود بیزارند. این حزب بیزارها، حزب قبول نکردن‌ها، حزب کارهای بزرگ، حزب ۱۹۱۷ ایران، حزب اکتبر است! قرن بیستم اگر یک واقعه انسانی داشته باشد، بدون شك انقلاب کارگری اکتبر است. ما حزب پرچمدار اکتبر هستیم، ما تنها حزب تکرار اکتبر هستیم، ما حزب سوسیالیسم فوراً هستیم، ما میخواهیم نشان دهیم که کمونیسم رادیکال میتواند روی رادیکالیسمش توده ای و پیروز شود. ما میگوییم تغییرات میلیمتری و شعارهای خاکستری راه چاره نیست، میخواهیم اثبات کنیم راه حل تغییرات انقلابی و بنیادی است. ما نماینده تمام آزادی و اعاده تمام آزادی هستیم. ما میخواهیم لنین را در ایران تکرار کنیم و کره خاکی را متوجه رادیکالترین و پیشروترین حزب سیاسی مارکسیستی در قلب خاورمیانه کنیم. ما مدعی هستیم که مسائل خاورمیانه را ما میتوانیم حل کنیم. ما میتوانیم به معضل اسلام سیاسی در خاورمیانه و حتی در کشورهای غربی پایان دهیم. ما عمیقاً اعتقاد داریم اگر طبقه کارگر و حیزش در تحولات سیاسی ایران نتواند پیروز شود، ایران به پرتگاهی خواهد رفت که نمونه آن تاکنون تجربه نشده است و میخواهیم مانع این کابوس شویم. ما عمیقاً اعتقاد داریم که کمونیسم کارگری میتواند و باید به اسطوره "اذلی و ابدی" بودن نظام سرمایه داری و حاکمیت احزاب طبقات دارا خط بطلان بکشد. گرامسک داشت انقلاب اکتبر برای ما کارگران و کمونیستها و انسانهای تشنه تغییر، نه تجلیلی عرفانی از

رویدادی متعلق به گذشته، نه چشم پوشی از کمبودهای انقلاب اکتبر و بلشویسم، نه شانه بالا انداختن در مقابل مسائل و موانع مبارزه کمونیستی امروز، بلکه جزئی از تلاش روزمره ما و طبقه ما در سطح جهانی برای تکرار آن است! حتی اگر دنیای بورژوازی دنیای نسبتاً مرفه بود ما کمونیستها برای احقاق آزادی و رهائی بشر پرچمدار انقلاب کمونیستی بودیم. حال که بورژوازی اوج استیصال و بی آلترناتیوی اش را عریان کرده است، امروز که دنیا در بستر میسبرد، امروز که جهان دستخوش تروریسم و میلیتاریسم و ارباب و مجازات جمعی است، باید پرچم اکتبر را برافراشته تر نگهداشت. چون دنیای امروز علیرغم تمام بدبختی هایش هنوز مدیون لنین و انقلاب اکتبر و مهمتر از آن نیازمند اکتبر دیگری است! باید با صدای رسا اعلام کرد که بشریت کارگر برای آزادی خود و کل جامعه راهی جز انقلاب علیه سرمایه ندارد! باید از تریبون اکتبر جهان را به تغییر و امر انقلاب کارگری فراخوان داد! باید از تریبون اکتبر دعوت به صف حزب اکتبر کرد! باید در دوره سرنوشت ساز امروز تصمیمات بزرگ گرفت و کارهای بزرگ انجام داد! حزب کمونیست کارگری چنین حزبی است، باید سرعت کمبودهایش را برای تبدیل شدن تمام عیار به چنین حزبی رفع کند، باید هر روز قوی شود تا بتواند با قدرت بورژوازی را شکست دهد! باید دور حزب متشکل شد و از تریبون آن دنیا را به انقلاب کارگری و سوسیالیسم و کمونیسم و تغییر فوری در زندگی انسان امروز فراخوان داد!\*

## تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

## مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12  
Frequency: 11494  
Symbol Rate: 17469  
FEC: 3/4  
Vertical

# حجاب اسلامی چه بعنوان سمبل بر زن و چه بعنوان یک اقدام سیاسی نباید تحمل شود



سپهلا شریفی

در اروپا میشود هنوز اینکار را کرد! و زندگی کسی هم به خطر نیافتد، اما اگر به زنی گفته شود که در دادگاه هنگام ادای شهادت وکلا و هیات منصفه باید صورت شما را ببینند و گرته نمی توانند تصمیم درست بگیرند، یا اگر کسی مطلبی در اینکه محمد پدوفیل بوده بنویسد و یا چند تا کاریکاتور بکشد، دنیا به آخر می رسد، به عباي مقدس مذهب بر می خورد و شیشه ها شکسته می شود و باندهای حزب الله به میدان می آیند و زندگی افراد به خطر می افتد. شاید درست به همین دلیل است که اسلامپها هم از سر بی احترامی به مذهبشان وارد این دعوا می شوند و ادعا می کنند به آنها بعنوان مذهب اقلیت دارد ستم روا داشته می شود. وارد شدن از سر سیاست در این دعوا به نفع آنها نیست (حداقل فعلا نیست).

این جنگ امروز بیش از همیشه سیاسی است و باید آنرا در میدان سیاست مورد حمله قرار داد. باید به دولت انگلیس و سیاستمداران دیگر اروپائی هم از این زاویه تعرض کرد. هر چقدر که جریانات اسلامی در اروپا نفوذ بیشتری پیدا کنند به همان درجه زندگی خیل عظیمی از زنان و دخترانی که در خانواده های مسلمان زندگی می کنند سخت تر می شود و فشار بیشتری به آنها می آید که بر اساس معیارهای اسلامی زندگی کنند. به عبارتی دیگر بر ستم کشی زن و سرکوب و تبعیض علیه او دامن زده می شود. حجاب اسلامی حتی وقتی که داوطلبانه و بعنوان یک اقدام سیاسی توسط زنی پذیرفته می شود هم سمبل ستمکشی و بی حقوقی زن است و نباید تحمل شود.\*

**به حزب کمونیست  
کارگری ایران  
پیوندید**

می پیوندند، و دوم اینکه اینکار يك فشاراخلاقی جدی بر زنانی که در مجتمعهای اسلامی زندگی می کنند وارد کرده و خلیپها را ناچار می کند تحت فشار اطرافیان و علیرغم میل خود حجاب بپوشند.

متاسفانه اظهارنظرهای محتاطانه و مباحثات جویانه مانند سخنان جک استراو و همکاران او کمک زیادی به زنانی که در اروپا و غرب در میان خانواده و مجتمعهای اسلامی زندگی می کنند و هر روز بیشتر از روز پیش خود را اسیر اخلاقیات عقب مانده و فشارهای جریانات اسلامی احساس می کنند، نمی کند. جک استراو و دیگر سیاستمداران غربی سالهاست که با سیاستهای تبعیض آمیز و بر اساس نسبیت فرهنگی چنان به جریانات اسلامی پر و بال داده اند و با آنها سازش کرده اند که اکنون دیگر به راحتی نمی توانند با آنها و عوارض بجنگند. دولت انگلیس بطور مشخص و در راس آن کسانی مانند جک استراو میلیونها پوند پول در دست و بال جریانات اسلامی ریخته اند و هنوز می ریزند که هر ساله بتوانند مدارس و مساجد بیشتری راه بیندازند و قوانین ارتجاعی و ضد زن اسلامی را در خود قلب اروپا در بعضی از محلات پیاده کنند و رسماً به جمع آوری نیرو و تروریست سازی در این مراکز دست بزنند.

اما در حالی که مسئله حجاب امروز بیشتر از همیشه سیاسی است و جریانات اسلامی از طریق آن سعی می کنند جای خود را در دل این جوامع محکم کنند، جالب توجه است که از آن بعنوان یک حرکت و اقدام سیاسی اسم برده نمی شود و تماماً استدلالها به "آزادی مذهب" و "آزادی پوشش" و "احترام به مذهب مردم" اختصاص داده می شود. یک دلیل اصلی آن این است که به قول ریچارد داوکینز یک تصور عمومی در جامعه وجود دارد که "گویا مذهب مقدس است و در مقابل توهین و استهزا آسیب پذیر است و باید با یک دیوار کلفت از احترام آنرا حراست کرد". جالب است که می توان به آسانی به سیاستهای این حزب دولتها را به استهزا گرفت و سران کشورها را کاریکاتور کرد (حداقل

ممنوعیت کامل روینده در محل کار هستند. در یک نظر پرسی که همین چند روز پیش از طرف یکی از روزنامه های سراسری انگلستان (دیلی اکسپرس) انجام شده است، نود و هشت درصد مردمی که جواب داده اند خواهان ممنوعیت روینده هستند و این موضوع ظاهراً باعث عصبانیت نویسندگان گاردین مانند جانان فریدلاند شده است که می نویسد "اگر این حمله در مورد یهودیها بود (خود ایشان ظاهراً یهودی هستند) من فوراً دنبال پاسپورتم می گشتم که از این کشور بروم"

بطور قطع برای زنی که تحت قوانین اسلامی و با اجبار حجاب زندگی کرده است "سرکوب" و "ستمکشی" کلماتی هستند که با حجاب تداعی می شوند و حجاب بطور سمبلیک فرودستی و تبعیض معنی می دهد. حجاب برای خیلی از این زنان تنها یک پوشش نیست، آنها می دانند و با گوشت و پوست خود لمس کرده اند که حجاب مترادف است با تحقیر و بی حقوقی و تبعیض و همانطور که تاریخ نزدیک به سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی نشان می دهد، زنان و مردان برابری طلب مرتباً بر علیه حجاب و قوانین ضد زن مبارزه کرده اند و حتی یک روز هم آنرا نپذیرفته اند. اما باید این حقیقت را پذیرفت که با گسترش جنبش اسلام سیاسی حجاب هم تبدیل شده است به یکی از مهمترین سنگرهای این جنبش و ما اخیراً در اروپا و بعضی از کشورهای دیگر تعدادی از زنان جوان را می بینیم که شروع به پوشیدن حجاب کامل اسلامی کرده اند. اینها را نمی توان تنها با معیارهای مذهبی و فرهنگی مرسوم توضیح داد. این افراد (تعداد خیلی کم اما قابل رویت) با پوشیدن حجاب اسلامی قصد دارند پیام سیاسی خاصی را به جامعه منتقل کنند و تعلق خود را به جنبش سیاسی خاصی اعلام کنند که جنبش اسلام سیاسی است. تعداد این افراد زیاد نیست اما اقدام آنها تاثیر زیادی بر فضای سیاسی جامعه می گذارد. اول اینکه آنها با این اقدام خود سعی می کنند تصویری ارائه دهند که گویا اسلام سیاسی در غرب در حال رشد است و هر روز افراد بیشتری به آن

انتخاب پوشش خود، حتی اگر این پوشش روینده باشد" شدند. بار دیگر بحثهای قدیمی مانند اینکه تا کجا و در چه جاهائی می توان به پوشش اسلامی، مشخصاً روینده اجازه اظهار وجود داده شود به صحنه آمدند. آیا برای نمونه زنی که برای ادای شهادت در دادگاه حاضر می شود می تواند نقاب بپوشد؟ آیا این موضوع که معلوم نیست پشت آن نقاب واقعاً چه کسی وجود دارد، باعث اخلاخ در کار دادگاه نمی شود؟ آیا باید به دختران دانشجو اجازه داده شود با نقاب سر کلاس درس و سالن امتحان حاضر شوند؟ و آیا حجاب اسلامی سمبل سرکوب زن است یا به قول خانم بانتینگ "جهت ثبت در اسناد، حجاب سمبل ستم کشی زن نیست سمبل مقام و شان اوست" (گاردین روز دوشنبه ۹ اکتبر)

می توانید تصور کنید که برای زنی که تازه از جهنم جمهوری فرار کرده و به جانی مانند انگلستان آمده است چقدر این هیاهو و بحثهای مانند نوشته های خانم بانتینگ و دوستان اسلامی ایشان بی پایه و بوج و حتی غریب به نظر می رسد. در ایران، رژیم اسلامی مجبور است تمام دار و دسته سرکوب خود را به کار گیرد تا روسپرها را بر سر زنان نگه دارد و در خیلی از موارد حتی شلاق و زندان و اسید و پونس هم نتوانسته است رژیم را به این هدف نزدیک کند. همین چند روز پیش در خبرها آمده بود که زنان در شمال تهران و بعضی شهرهای دیگر بدون روسری رانندگی می کنند و سران رژیم را با اینکار عصبانی کرده اند. آنوقت در انگلستان و دانمارک و سوئد و دیگر کشورهای اروپائی ما باید بر سر اینکه حضور دختران روینده پوش سر کلاسها و در سالن امتحانات ممنوع شود نه تنها با جریانات ارتجاعی اسلامی بلکه با چپهای لیبرال و "روشنفکران" هم بحث کنیم.

قابل توجه است که در نظر داشته باشیم که اتفاقاً علیرغم هیاهوی میدیا و روشنفکران لیبرال و فریادهای واولای راسیسم و تبعیض آنها مردم انگلستان بنظر می رسد خیلی هوشیارانه فرسخها از حرفهای جک استراو فراتر رفته و خواهان

اخیراً جک استراو، رئیس مجلس عوام انگلستان (وزیر خارجه سابق)، از زنان محجبه اسلامی خواسته است که هنگامی که به ملاقات او می روند روینده هایشان را بردارند. آقای استراو استدلال می کند که پوشیدن حجاب اسلامی باعث جدائی و تفرقه بیشتری بین مسلمانان و غیر مسلمانان این کشور می شود و به همین دلیل است که مسلمانان کمتر می توانند در این کشور ادغام شوند. او پوشیدن حجاب کامل اسلامی را یکی از نمونه های رد ارزشهای دموکراتیک این کشور خواند.

این ملاحظه نیم بند (که از طرف تونی بلیر نخست وزیر و چند نفر دیگر از وزرای این کشور مورد حمایت قرار گرفته است) ظاهراً غوغای دیگری را در انگلستان به پا کرده است. بقول میدیای این کشور "تقابل عظیم بین فرهنگها" اتفاق افتاده است و یا "یک درهم برهمی مقدس" بوقوع پیوسته است. بعضیها مانند خانم مادالین بانتینگ مقاله نویس گاردین تا آنجا پیش می روند که آنرا یک موضوع فیمینیستی می خوانند و از "احساسات مردانه" صحبت می کنند. گویا یکی از دلایلی که بعضی از زنان به حجاب و نقاب روی می آورند لختی و بی بندوباری بیش از حد دختران و زنان جوان در کشورهای اروپائی است که خانم بانتینگ با تشریح می گوید "ظاهراً هیچ مردی شکایتی از این موضوع ندارد". به این هیاهو ماجرای تعلیق یک معلم کمکی که می خواهد با روینده در مدرسه حاضر شده و به بچه ها درس بدهد هم اضافه شده است. مسئولین یکی از مدارس شمال انگلستان مانع شده اند که خانم آیشا عزمی با روینده و حجاب کامل بر سر کار حاضر شود و این ماجرا که اکنون چند هفته ای است در جریان می باشد به آتشی که با گفته های جک استراو راه افتاده بود، بیشتر دامن زد. اسلامپها طبق معمول فرصت را مناسب دیده و شروع به راه انداختن جنجال و تظاهرات کرده اند. لیبرالهای انگلیسی و حتی چپهای مریخی این کشور بار دیگر پشت اسلام سیاسی به صف شده اند و خواستار "احترام به فرهنگ مردم" و "به رسمیت شناختن حق زنان در

## از صفحه ۱ کارگران کمونیست و الغای ...

صنایع، وسایل حمل و نقل و مراکز خدماتی و غیره پایان بپذیرد و به جای آن خود مردم بطور دسته جمعی صاحب وسائل تولید و منابع رفع احتیاجات زندگی شان شوند. ما می خواهیم مناسبات ملکی و مالکیتی ناظر بر جامعه را عوض کنیم چرا که مناسبات موجود بر اساس منافع سودپرستانه اقلیتی سرمایه دار می چرخد که با تصاحب قلدر منشانه وسایل کار و تولید اجتماعی، زندگی میلیونها انسان را به گرو کشیده اند و مایه خانه خرابی آنها می شوند. معنای کمونیست بودن بودن ما همین مبارزه برای الغای مالکیت خصوصی است.

از نظر ما کمونیستها استثمار بطور کلی از اینجا ناشی می شود که اضافه محصول در یک نظام طبقاتی به تملک مالکان وسایل تولید در می آید. در یک سو ما طبقات و یا طبقه حاکم را داریم که صاحب کلیه وسایل تولید است و در سوی دیگر طبقات فرودست که فاقد چیزی هستند. طبعا چگونگی پیدایش این طبقات وابسته به درجه تکامل تولید است. تا آنجا که به نظام سرمایه داری بر می گردد شالوده این نظام آنطور که مارکس می گوید بر این پایه استوار است که شرایط مادی تولید بشکل زمین و سرمایه در تملک غیر کارگران قرار دارد، در حالیکه توده ها تنها مالک شرایط انسانی تولید و یا عبارتی دیگر نیروی کار خود هستند. با مالکیت اقلیتی سرمایه دار بر وسایل تولید نه فقط پیشرفت صنعت و تکنولوژی به مسئله سود سرمایه دار گره زده می شود و این به نوبه خود رشد نیروهای تولید را با سد روبرو می سازد، بلکه نتیجه زمینی این مناسبات مالکیت این می شود که ثروت در دست اقلیتی انباشته می شود و در عوض اکثریت جامعه در محرومیت قرار می گیرد. از همین رو مارکس و انگلس بکرات و با صراحت از لغو مالکیت بورژوازی سخن می گویند. مارکس و انگلس در مانیفست کمونیست خطاب به سرمایه داران می گویند: "شما از اینکه ما می خواهیم مالکیت خصوصی را لغو کنیم بهراس می

بوده است، انسانها می توانند در مقایسه با گذشته با کار و زحمت بسیار کمتری به تولید نیازهای خود بپردازند. به این بارآوری بالای کار، هم اکنون امکان تولید بحد وفور ضروریاتی چون غذا، مسکن، پوشاک، بهداشت و غیره برای همه در اختیار بشر است. تولید بزرگ و غول آسا همه جا را به فتح خود در آورده است و مردمان کره ارض را بهم گره زده است. امروز شرکت جمعی در تولید و جهانی شدن نیروی کار بشری توسط ارتباطات، ماهواره ها، کامپیوترها یک واقعیت دائمی و روزمره است. همه این واقعیات دارد به ما نهیب می زند که عصر بردگی مزدی، دوره مالکیت خصوصی مشتی افراد بر شرایط کار و زندگی اجتماعی، عصر محکوم ماندن بشر به فقر و رنج و محنت به سر رسیده است. اما این وضع بدون مبارزه و دخالت کارگران در گرفتن سرنوشت جامعه بدست خود تغییر نخواهد یافت. درست است که جهت عمومی جامعه متوجه رفع تناقضات موجود جامعه سرمایه داری است ولی این امر بدون عمل انسانها و نقش تعیین کننده آنها اتفاق نمی افتد. تاریخ بشر از پیش نوشته شده نیست بلکه این انسانها هستند که تاریخ خود را می سازند. بنابراین اگر می خواهیم عظمت قدرت آفرینندگی کار بشر به حقارت و بردگی ترجمه نشود، اگر می خواهیم پیشرفت و توقع بشر از تعالی خود و دنیایش در حرص سودجویی مشت قلبی از افراد خفه و خاموش نشود، اگر می خواهیم که هر گونه پیشرفت عظیم در تولید اجتماعی بجای به صدا در آوردن شلاق گرسنگی، به فارغ کردن بشر از بردگی کار منجر شود و اگر می خواهیم بکار بستن ظرفیتهای نوین کار بشری بجای تحکیم کردن بردگی مزدی به سهم بیشتر بشر از ثمره و قدرت معجزه آفرین کارش بیانجامد، باید به میدان آمد و تحت پرچم کمونیسم کارگری و کارگران کمونیست برای پایان دادن به مالکیت خصوصی سرمایه داران و الغای کار مزدی متحد شد.

کارگران برای خلاصی از استثمار سرمایه داری باید نظامی را در هم

## از صفحه ۴ مراسم روز جهانی کودک

سازمان داده شد. این کارناوال که با استقبال وسیع مردم در خیابانها به حرکت در آمد، با شعار "یک زندگی شاد، ایمن و خلاق حق کودک است" جامعه را بیش از پیش متوجه این امر مهم کرد. روز یکشنبه ۱۶ مهر ماه همین کمیته در شهر سنندج مراسمی را سازمان داد که با استقبال بی نظیری روبرو شد. در این مراسم بیش از چهار هزار نفر شرکت کردند. در این مراسم بچه ها در گروههای موزیک، تاتر، و سرود و خواندن شعر نقش محوری داشتند. علاوه بر این شیت امانی به نمایندگی از جانب کارگران سنندج و نساجی های "کردستان" و "شاهو" یکی از سخنرانان آن بود. در این مراسم از سیمین چاپچی به خاطر تولید شعر و ادبیات کودکان قدرانی شد و تعداد دیگری از فعالین این عرصه پیام و سخنان خود را در دفاع از حقوق کودکان و نقد ریشه های این بی حقوقی بیان کردند. قطعنامه ای که در این مراسم به تصویب رسید بوسیله فایق کیخسروی نماینده کمیته برگزاری روز جهانی کودک خوانده شد که بعد از آن نیز بیش از ۱۵۰۰ نفر آنرا امضا کردند. این اقدام یک نمایش پر قدرت از ابراز وجود مردم حق طلب بود. در همین روز در یکی از سالنهای شهر سنندج مراسم دیگری برپا بود که با شادی و سرور کودکان مزین شده بود. در سردشت برای اولین بار مراسم دفاع از حقوق کودک با استقبال حدود

بشکنند که بر مالکیت خصوصی سرمایه داران استوار است. سرمایه داری از اول نبوده است و ازلی هم نخواهد بود. ساختن جامعه ای که در آن غذا، مسکن، پوشاک، بهداشت و وسایل برآورد نیازهای بشری در همه نقاط به رایگان در اختیار همه است، کاملاً شدنی و میسر است. برپا کردن جامعه ای که در آن امکانات کار و تولید اجتماعی در مالکیت مشترک همه است نه فقط امکانپذیر بلکه یک ضرورت است. هیچکس و هیچ نیرویی نباید حق انحصار بر شرایط

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

# شرکت فعال اعضای رهبری و کادرهای حزب کمونیست کارگری در کنفرانس بین المللی دفاع از حقوق زنان در آلمان

روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه ۱۳ تا ۱۵ اکتبر يك کنفرانس بین المللی وسیع در دفاع از حقوق زنان در شهر دوسلدورف، آلمان به ابتکار شورای زنان مبارز برگزار شد. این هفتمین کنفرانسی است که این سازمان تاکنون برگزار کرده است. این کنفرانس با استقبال وسیع روبرو شد. طی سه روز حدود ۵۰۰۰ نفر در این کنفرانس شرکت کردند. آذر ماجدی، مینا احدی و نسرين رمضانعلی جزو سخنرانان این کنفرانس بودند که با سخنرانیهای خود موقعیت تحت ستم زنان در ایران را به طور گسترده افشا کردند و

همچنین شرکت کنندگان را در جریان مبارزه برای آزادی و برابری زنان در ایران قرار دادند. این سخنرانیها با استقبال گرم و پرشور حاضرین مواجه شد. طی این سه روز صدها نفر از میز اطلاعاتی سازمان آزادی زن و کمیته علیه سنگسار دیدن کردند و با فعالین سازمان آزادی زن، شهلا خباززاده، سهیلا خسروی، رابعه آستا، میترا زینال، شیرین حسینی، اعظم زندی، علی مرادی، نیاز قائدی، حسن آقاییاری، ژیل هرجابی صحبت کردند. بازدید کنندگان با علاقه و کنجکاوی بسیار در مورد

وضعیت زنان و جنبش آزادی زن و سازمان آزادی زن سوال میکردند. صدها نفر طومار محکومیت آپارتاید جنسی را امضا کردند. در این کنفرانس، قطعنامه ای در محکومیت سنگسار به تصویب رسید.

رادیو فردا طی مصاحبه هایی با آذر ماجدی و مینا احدی، و تلویزیون انترناسیونال و برای آزادی زن طی گفتگو با نسرين رمضانعلی، مینا احدی و آذر ماجدی گزارش این کنفرانس را وسیعاً منعکس کردند.

انترناسیونال

## از صفحه ۲ روز جهانی کودک در ایران

مراسم روز جهانی کودک در شهر کامیاران که توسط جمعیت حمایت از کودکان کار و خیابان این شهر و با شرکت مهد کودک شاهپرک برپا شده بود مورد استقبال زیادی قرار گرفت. این مراسم ابتدا با اجرای تئاتر و فیلم در محل کانون فرهنگی و هنری کامیاران شروع شد و سپس بشکل راهپیمایی فعالین حقوق کودک، خانواده های کودکان و مردم آزادیخواه شهر و با حضور خود کودکان بطرف میدان اصلی شهر ادامه یافت و در آنجا با پخش کتابچه های پیمان نامه حقوق کودک، برشورها و عکسهای از کودکان کار و قطعنامه جمعیت حمایت از کودکان کار و خیابان به پایان رسید. در شهر سردشت در روز ۱۶ مهر مراسم بزرگی به مناسبت روز جهانی کودک و در دفاع از حقوق کودکان در

دفاع از حقوق کودکان در ایران آغاز شده است، نشان از آن دارد که جنبش نوینی در حال شکل گیری است که عمیقاً مهر انسانیت مترقی و رادیکال، مهر کودک دوستی، مهر برابری و سوسیالیسم را بر خود دارد. جنبشی که جوانه های آن در جشن آدم برفهای سندنجد زده شده است در حال ریشه دواندن و گسترده شدن است و میرود که در کنار جنبش کارگری، جنبش برابری طلبانه زن و مرد و جنبش خلاصی فرهنگی شرایط یک دگرگونی عظیم اجتماعی در ایران را فراهم کند. به این جنبش نوین باید پیوست، آن را تقویت کرد، موانع آن را برکنار کرد و زمینه های موفقیت و پیشروی گسترده تر آنرا فراهم نمود. این گوشه ای از ماهیت عمیق آزادیخواهانه و برابری طلبانه جنبشی است که میرود حکومت اسلامی را سرنگون کند و نظامی انسانی و آزاد و برابر برپا کند. \*

## تظاهرات در لندن

### خاتمی را در لندن رسوا می کنیم!

جنایتکاران شدید. بسیاری از ما هر روز چهره دوست داشتنی عزیزانمان را بیاد می آوریم که بدست این رژیم منفور به جوخه های اعدام سپرده شدند.

ما وظیفه داریم این آخوند مرتجع و جنایتکار را رسوا کنیم. ما وظیفه داریم به جایزه دهندگان این مرتجع بگوئیم کور خوانده اید و نمی توانید هیچ گند و کثافتی را به مردم تحمیل کنید! ما آزادیخواهان اعلام می کنیم جمهوری اسلامی و همه سرانش که دست به جنایت زده اند را افشا می کنیم و به دادگاه های مردمی می سپاریم. ما نمی گذاریم آب خوش از گلوئی خاتمی ها و احمدی نژادها پائین برود. ما اعلام می کنیم رژیم اسلامی در ایران محکوم به سرنگونی است. ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی به میدان آمده ایم. ما نماینده یک زندگی مرفه و آزاد برای مردم ایران هستیم و رژیم اسلامی و کارگزارانش نماینده فقر و سرکوب و تباهی.

ما همه ایرانیان آزادیخواه، مخالفین رژیم اسلامی و سازمانهای سرنگونگی طلب را فرا می خوانیم در اعتراض به حضور خاتمی در تجمع اعتراضی که در مقابل ساختمان مرکز "چتم هاوس" در لندن برگزار میشود وسیعاً شرکت کنند.

### زمان: چهارشنبه ۱ نوامبر

۲۰۰۶ ساعت ۴:۳۰ الی ۶:۳۰

**مکان:** مقابل مرکز چتم هاوس  
Chatham House  
10 St James's Square  
London SW1Y 4LE

نزدیکترین ایستگاه قطار

Piccadilly Circus / Green Park

تلفن اطلاعات:

۰۰۷۹۵۰۹۲۴۴۳۴

۰۷۹۸۴۴۴۵۲۷۸

### سخنرانان:

آذر ماجدی، مریم نمازی،

کیوان جاوید

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - بریتانیا  
همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندهگان ایرانی - واحد بریتانیا  
سازمان جوانان کمونیست - واحد بریتانیا  
سازمان آزادی زن  
۱۹ اکتبر ۲۰۰۶

### آدرس و شماره تلفن تماس با دفتر مرکزی حزب:

بنا به تصمیم هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری از این پس سیامک بهاری مسئولیت دفتر مرکزی حزب را عهده دار شده است. آدرس و شماره تلفن تماس با دفتر مرکزی شرح زیر میباشد:

تلفن 0046-739318404

فکس 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی:

I.K.K.

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden